

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری  
همبورگ - جرمنی

## دردِ سرِ پیری

هموار کُنم یا نگنم دفترِ پیری  
افشا که شود یا نشود فصلِ خزانست  
هر غنچه بشکفته ایامِ جوانی  
معشوقه و می گرمی بگذشته ندارد  
ای وای وطن بود بهشتی و در آنجا  
امروز درین غربت و شبهای غم آلود  
نی ساقی گلچهره و نی جام لبالب  
بی شبهه خدایش بدهد فیضِ دو عالم  
پیری نشود منبع بیچارگی من  
پیری که فریبنده و مکار نباشد  
اکسیرِ زمانست و عزیزِ همگانست  
دیشب همه شب تا به سحر گریه نمودم  
بی رحمتِ مطلق نتوان راه گشودن

انکار شود یا نشود بر سرِ پیری  
حقا که هویدا شده پس منظرِ پیری  
افسرده و پژمرده شد و پرپرِ پیری  
سرد است خدایا چه کُنم بسترِ پیری  
کیفِ دگری داشت می و ساغرِ پیری  
حیف است، که ناید به برم دلیرِ پیری  
نی ساز رباب است و نه رامشگرِ پیری  
چون دخترِ رز هر که شود یاورِ پیری  
آوارگی است باعثِ دردِ سرِ پیری  
از کف ندهد حیثیت و لنگرِ پیری  
والله که گرانست چنین گوهرِ پیری  
با موی سپید و تنِ عصیانگرِ پیری  
بر درگه آن پادشه کشورِ پیری

یا رب تو در کعبه به {ناظم} بگشائی

حاجی شوم و توبه کُنم از شرِ پیری

– این پارچه شعر را قبل از رفتن حج سروده بودم.